

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ر. پیکار جو  
۰۸ نومبر ۲۰۱۹

## رام کنندگان با تنبیه گرگهای خویش تماشاچیان را به بازی می گیرند!

آنانی که از سرشت و ذات نظام سود و سرمایه تصویری ولو مبهم و خاکستری هم دارند کم از کم این را می دانند که راست گوئی و صداقت در این نظام میوه کم یابیست که به ندرت برمی دهد و به همین منوال آنانی که از سرشت و طبیعت خشن طالبان آگاه و اقلاً یکی دوروز را در تحت حاکمیت جهنمی پنج ساله آنان سپری کرده باشند خوب می دانند که این جماعت از آنجائی که در سیاه چاله از خود بیگانگی مطلق به سر می برند خویشان را وارثان شخص موهوم و خیالی به نام محمد بن عبدالله قریشی می پندارند که موجود موهوم دیگری به نام "خدا" توسط "فرشته ای" به نام جبرئیل از آسمان گویا مجوز قتل و کشتار دگر اندیشان را به وی می فرستاده است ، لذا خود را بندگان خاص "خدا" و نجات دهندگان عالم بشریت از فساد و منکرات معرفی و به خود حق می دهند که مخالفان عقیدتی خویش را گردن زنند و به دار بیاویزند و سنگسار کنند و دست و پایشان را ببرند.

با این مختصر می خواهم وارد موضوع توقف روند مذاکرات صلح میان ایالات متحده امریکا و گروه طالبان شویم که از حدود نه ماه بدینسو میان این دو جناح به نمایندگی زلمی خلیلزاد نماینده خاص وزارت خارجه امریکا و شیر محمد عباس ستانکزی عضو دفتر سیاسی طالبان به راه افتاده و به مرحله نهائی اش رسیده بود که ناگهان به روز شنبه هفتم سپتمبر از سوی دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا ظاهراً به سبب جان باختن یک سرباز امریکائی در یک حمله انتحاری که (تاریخ ۵ سپتمبر ۲۰۱۹ ؛ سنبله ۱۳۹۸) در شش درک کابل به وقوع پیوست با یک پیام تویتری خویش آن را متوقف و پایان یافته اعلان نمود . در این راستا ابتدا نظرگذرائی خواهیم انداخت به پیشینه آغاز این مذاکرات و علل پیداری و احتمالی تصمیم دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده مبنی بر پایان دادن به این مذاکرات و در اخیر واکنشهای برخی از جوانب را در پیوند به آن خواهیم شمرد قبل از همه باید گفت که این نخستین بار نیست که دونالد ترامپ بالای رمه گرگهای وحشی خویش قهر می شود و آنان را سرزنش می کند و مسلماً آخرین بار هم نخواهد بود، چنان که او به تاریخ ۲۰۱۸/۰۱/۳۰ نیز در واکنش به حمله گروهی طالبان بالای هوتل انترکانتی نینتال کابل و دانشگاه مارشال فهیم و بخشهای دیگری از شهر کابل که در ده روز آخر همان ماه بیشتر از ۱۶۰ کشته و کم از کم ۲۵۰ زخمی برجا گذاشت در جلسه ای با اعضای شورای امنیت ملل متحد طالبان را "بشدت" مورد نکوهش قرار داده و با " قاطعیت تمام" گمانه زنی هائی را که در مورد احتمال مذاکره میان امریکا و طالبان به راه افتاده بود رد نموده و افزود : « ... ما با طالبان مذاکره ای نخواهیم داشت و به عکس می خواهیم به

چیزی پایان دهیم که باید آن را پایان دهیم ، آنچه را که کس دیگری نتوانست پایان دهد ما می خواهیم بتوانیم انجام دهیم ... » (۱)

چنان که این بار نیز هرچند با همان "قاطعیت امریکائی و ترامپی" مذاکره با طالبان را در پیامهای تویتری خویش پایان یافته و اعاده ناپذیر اعلان کرد مگر باز هم به اصطلاح پای گنجشک را باز گذاشت و راه گندم به آسیاب را نیست و روز بعد اعلان داشت که راه های بهتری هم برای اجرای مذاکرات وجود دارد و طالبان می توانند از آن استفاده نمایند . پس می توان گفت که این "قاطعیت" جدی نبوده و بخشهای از ستراتیژی نظام سرمایه داری مبنی بر "دهشت بیافرین و تسخیرکن !" را تشکیل می دهد.

در مورد پس منظر تاریخی ایجاد و تجهیز و گسترش وسعت و سودهی فعالیتهای گله ها و رمه های دهشت افکن در منطقه و جهان کافیسست به سخنان خانم هیلری کلینتن که زمانی بانوی نخست و وزیر امور خارجه آمریکا بود گوش فرا دهیم که می گوید : "کسانی را که امروز با آنها در جنگیم بیست سال پیش خودمان به وجود آوردیم . زمانی که در گیر جنگ سرد با شوروی سابق بودیم، شوروی افغانستان را اشغال کرده بود و ما نمی خواستیم شاهد کنترل شوروی بر آسیای میانه باشیم، ما وارد جنگ شدیم ، رئیس جمهور ریگان با تأیید کنگره به پشتیبانی از ارتش پاکستان پرداخت و بعد هم مجاهدین افغان را با سهمگیری "آی . ای . اس . آی" به انواع تجهیزات جنگی مجهز کردیم و حتی از عربستان سعودی هم کمک مالی و انسانی گرفتیم و اجازه دادیم تا اسلام و هابی در افغانستان رشد کند تا ما بتوانیم شوروی را شکست دهیم، البته موفق هم شدیم، شوروی میلیونها دالر را از دست داد و در نهایت امپراتوری شوروی از هم پاشید، برای همین خیلی ها معتقد اند این کار سرمایه گذاری بدی برای ما نبوده اما باید مراقب باشیم، چون هرچه بکاریم همان را درو خواهیم کرد ." برای شنیدن سخنان این بانوی "راستگوی" به لینک در پایان مطلب مراجعه بفرمائید(۲)

از همان آغاز کودتای هفت ثورو ورود ارتش اتحاد شوروی سابق به افغانستان و واکنش امپریالسم جهانی به سرکردگی امریکا مبنی بر ایجاد و تمویل و تجهیز گروه ها و سازمانهای تروریستی اسلامی در ایران و پاکستان تا اکنون این بوس و کنارها و از خود راندها و نوازش ها و سرزنشها ادامه داشته است تا آن که در دوران دون کیشوتی دونالد ترمپ به اوج وقاحت خود رسیده و شامل حال مربیان طالبان یعنی پاکستان نیز شد ؛ چنان که ترمپ از همان آغاز پای نهادن به کاخ سفید بار بار پاکستان را نیز با همان قاطعیت ترمپی خویش هشدار داده است که دست از کمک به طالبان بردارد و رنه با به کارگیری از گزینه های اقتصادی و سیاسی و نظامی به سزای اعمالش رسانیده خواهد شد، تهدید هائی که برای روشنفکرانما های خوش باور و اراکین دولت دست نشانده افغانستان نوید بخش چرخش هائی مهم در سیاست های امریکا در قبال پاکستان به نفع افغانستان و برای من سوسیالیست تبسم برانگیز و خنده دار بود و هست.

در این رابطه اظهارات آقای رنگین دادفر اسپنٹا که هم در کتاب خاطراتش نوشته است و هم در مصاحبه اش با طلوع نیوز یاد آور می شود و آن این که جوبایدن معاون رئیس جمهور سابق امریکا آقای اوباما هنگام بازدیدش از افغانستان ضیافتی را که از طرف حامد کرزی برایش ترتیب داده شده بود در واکنش به پافشاری مقامات افغانی روی نقش منفی پاکستان در مبارزه علیه تروریسم میز نان را با عصبانیت و باگفتن این که : "پاکستان پنجاه بار از شما کرده برای ما با اهمیت تر هست" می تواند بهترین مثال باشد(۳)

این که ایالات متحده در طول چهل سال گذشته با در نظر داشت ایجابات سیاست های داخلی و خارجی اش به همچو طرفنها و نوساناتی روی آورده است کاملاً قابل درک و توجیه پذیر بوده و هست، اما واکنش های سیاست بازان و

"عقل کل" های افغانستان که گوسفند وار به هر سازی که امریکا برایشان بنوازد می رقصند و بع بع کنان آواز خوانی می کنند جالب است.

در مورد خیمه شب بازی ها و طرفند ها و دروغ پردازی های سردمداران نظام سرمایه داری و به ویژه زمامداران ایالات متحده امریکا باید گفت که انگیزه ها و زمینه های کارگیری از آن را یکی و یا همزمان چند تا از موارد زیرین تشکیل می دهد:

۱ - تلاش در جهت پنهان کردن روی کردها و گرایشهای توسعه جویانه و تجاوزکارانه شان با متهم ساختن طرفهای مقابل خویش به داشتن سلاح های کشتار جمعی ، ارتکاب اعمال تروریستی و جنایات جنگی و متهم ساختن دولت ها به اعمال دیکتاتوری بالای اتباعشان و تهمت های شناخته شده دیگری نظیر آن.

۲ - توجیه و وارونه جلوه دادن عمل کردهای ضد بشری شان تحت نامهای عوام فریبانه ای چون دموکراسی و حقوق بشر و دفاع از حقوق زنان و کودکان غیره.

۳ - تلاش در جهت جلوگیری از لغزشها و خطا های تاکتیکی که تصادفاً و یا از روی نادانی و حماقت و یا خود نمائی های دون کیشوتی مرتکب آن می شوند و سپس با بهانه ها و طرفندها و شعبده های خاصی آن را ماست مالی و ماله کشی می نمایند.

در رابطه به توقف - هر چند موقت - مذاکرات با طالبان می توان موارد زیرین را برشمرد:

۱ - جلوگیری از لغزشی که ممکن بود در نتیجه تحقق یافتن آرمانهای دیرینه زلمی خلیلزاد مبنی بر شریک سازی طالبان در اریکه قدرت و آنهم به گونه ای مجانی و بدون دریافت هیچ امتیاز و تضمینی معتبر و قابل اعتماد به وقوع بپیوندد.

۲ - چنگ و دندان نشان دادن به طالبان تا بدانند که این امریکاست که حرف آخر را می زند نه ایشان.

۳ - فریب دادن آراء عامه امریکا و جهان مبنی بر این که گویا امریکا تلاش به خرج می دهد تا در افغانستان به صلح و آشتی دست یابد مگر طالبان با ادامه اعمال دهشت افگنانه خویش این آرزوی "انسان دوستانه"! امریکا را به یأس مبدل نموده است.

۴ - فریب دادن مردم و به ویژه نخبگان و تحصیل یافتگان افغانستان مبنی بر این که گویا امریکا نمی خواهد دست آوردهای نیم بندی که تا اکنون نصیب آنان شده است یکسره از جانب طالبان برباد و به تاراج رود.

۵ - فرونشاندن تب لرزه ای که دولتمردان افغانستان در اثر نگرانی از مخلوع شدن و از دست دادن کرسی ها و مناصب دولتی و محرومیت از دزدی های میلیونی به آن دچار شده اند.

در این راستا باید یاد آور شد که طالبان این نناندرتالهای قرن بیست و یکم و این گرگهای سیاه هار ناشدنی که در اظهارات و مصاحبه های رسانه ئی شان دم از لزوم خلع ید از دولت پوشالی "وحدت ملی" و انحلال قوای مسلح آن و لغو انتخابات ریاست جمهوری و تشکیل حکومت موقت و بازگشت به امارت اسلامی و تطبیق شریعت اسلامی و لزوم تغییر قانون اساسی می زدند و چنان می پنداشتند که عنقریب با سرهای افراخته و همچون قهرمانان و فاتحان وارد شهر کابل و ارگ ریاست جمهوری خواهند شد، که ناگهان ترمپ با پیام های تویتری خویش این گرگهای وحشی و دست پروده اسلاف خویش را توبیخ نمود و باعث شد تا ایشان با شنیدن تویتهای ناخوشایندش از خواب پریده و شگفت زده حیران آج و واج بمانند.

و آنسو تر سیاست بازان پیش پای بین و استفاده جوی ما به شمول جهادی های هشت ثوری و بورژوا ناسیونالیستهای هفت ثوری و لیبرالهای مدرن و پُست مدرن و زنان پارلمان نشین و مردسالار به مجرد دیدن چراغ سبز امریکائی و

دریافت هزینه های سفر و اعاشه و اباته و جیب خرج های دالری چهارنعل راهی دوحه و ماسکو شدند تا ابلهانه و منفعلانه به موعظه های نمایندگان طالبان گوش فرا داده و ذلیلانه پیش از آمدن آنان به کابل برایشان اعلان بیعت نمایند تا مبادا از کیک و کلچه مصالحه ترمپ و خلیلزاد باطالبان بی نصیب بمانند . مگر دیری نپائید که رئیس جمهور "توییتی" با یک توییت خویش آرزوهای آنان را به خاک یکسان و خواب های کنجاره ئی شان را برهم زد. و اما در رابطه به آقای زلمی خلیلزاد باید گفت، همان گونه که همگان آگاه اند ایشان از چهل سال بدین سو آشکارا با بلندترین مقامات اداری و استخباراتی ایالات متحده همکاری بوده و درسمت و سو دادن سیاست ها و گرایش های آنان به نفع جنگ سالاران پشتون تبار از هیچ گونه سعی و تلاش دریغ نورزیده است، مگر این بار می خواست پا از گلیم فراتر نهاده طالبان را مفت و مجانی برشانه های مردم ستمدیده کشور فقرزده و بلا کشیده مان نماید که با اشپلاقه های بازدارنده ترمپ بیدار و رؤیا های چهل ساله اش حد اقل در حال حاضر به فنا رفت و باعث شد تا از این تصمیم ولی نعمت خویش ابراز تعجب نماید.

چنان که گفته آمد، بلبل سنگ شکن امریکا بایک توییت خویش هم سیاست بازان فرصت طلب و استفاده جو ، هم گروه طالبان مسلمان و هم آقای زلمی خلیلزاد را از خوابهای طلایی و نقره ئی شان بیدار و سراسیمه ساخته است. باید افزود که توییت های رئیس جمهور ترمپ همزمان با برهم زدن خوابهای طلایی و نقره ئی و کنجاره ئی سه گروه یاد شده ، گروه دیگری را که عبارتند از رئیس جمهور غنی و مؤیدانش در دولت وحدت ملی که در نتیجه وعده ها و وعیدهای بلند پروازانه خلیلزاد و رجز خوانی های وقیحانه طالبان آرامش روانی خود را از دست داده و به لرزه افتاده بودند به مثابه نغمه های آرامش بخش و خواب آور آرامش بخشید و باعث شد تا با خاطر نسبتاً آرام در تکاپوی تدارک اجرای انتخابات ریاست جمهوری برآمده و تقلب های هرچه گسترده تری را نسبت گذشته مهندسی و سازمان دهی نمایند.

به باور من روند مذاکرات دوباره آغاز خواهد شد و طالبان را سرانجام روی صحنه خواهند آورد، مگر این بار نه در چهره زشت و کریه گرگ های وحشی و فاتحان رجز خوان بلکه در چهره شغال های لاشخوار و بونده های بگیل و گوش به فرمان باداران کهنه کار و شعبده باز امریکائی و انگلیس و ناتوئی شان.

در فرجام باید یادآور شد که آنچه تا کنون برشمردیم همانا روی مکشوف و آشکار سکه بود و هرگاه خواسته باشیم روی دیگر این سکه را که عبارت است از جریانات پشت پرده ای که در پستوهای پنتاگون و قصر سفید می گذرد بنگریم باید ویژگی ها و سرشت ذاتی نظام سود و سرمایه را با همه زشتی ها و بربریت هایش در نظر داشته باشیم.